

## راهکارهای اصلاح درون در اخلاق توحیدی

محمد دانش نهاد\*

محمد حسن و کیلی\*\*

### چکیده

رویکرد غالب در دانش اخلاق، توجه به رفتار و عمل فاعل اخلاقی است و نیات و روحیات درونی اهمیت چندانی ندارد؛ در مقابل رویکردی وجود دارد که در آن روحیات درونی و نیات شخص، مبنا قرار گرفته و نقش اعمال در گام بعدی و از حیث تأثیرات آن بر درون اهمیت پیدا می‌کند. این رویکرد، نگرشی توحیدی به اخلاق است که در آموزه‌ها و تربیت اسلامی تبیین شده است.

در این تحقیق ابتدا تفاوت اخلاق توحیدی و غیرتوحیدی بررسی و سپس راهکارهای اسلامی اصلاح درون تبیین شده است؛ این راهکارها به طور کلی به سه قسم منقسم می‌شوند: علم و آگاهی، افعال جوانحی یا قلبی، و افعال جوارحی یا بیرونی؛ افعال جوانحی نیز به اخلاص یا قصد قربت و تذکر و یادآوری؛ و افعال جوارحی به افعال تعبدی، توصلی و افعال تأثیرگذار مستقیم تقسیم می‌شوند. از نتایج این پژوهش آنکه: محور اخلاق و تربیت اسلامی مبتنی بر اصلاح درون است؛ پرداختن به افعال جوارحی نیز طریقی برای اصلاح درون بوده و به تنهایی موضوعیتی ندارد؛ لذا رفتار نیکو بدون اصلاح درون گاهی بی‌ارزش و گاهی ضد ارزش خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق توحیدی؛ افعال جوانحی؛ افعال جوارحی؛ اصلاح درون؛ نیت.

\* دانش‌آموخته دکتری الهیات دانشگاه یاسوج. (m\_borosdar@yahoo.com)

\*\* استاد حوزه علمیه مشهد و مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۰۶؛ تاریخ پذیرش ۹۹/۰۸/۱۱)

## مقدمه

اولین و اساسی‌ترین مسأله در اخلاق توحیدی این است که دیدگاه اسلام در رابطه با اخلاق چیست و این نگاه چه تفاوتی با سایر مکاتب اخلاقی معاصر دارد؟ مقصود از اخلاق توحیدی آن است که تمام گزاره‌های اخلاقی بر حول محور توحید می‌چرخد به گونه‌ای که شخص با عمل کردن به هر یک از گزاره‌ها از عبودیت و بندگی بیشتری برخوردار می‌شود و گام‌های مهمی در مسیر توحید برمی‌دارد. اگرچه تمام ادیان الهی در مسیر پیاده نمودن اخلاق توحیدی بوده‌اند چنانکه از جمله اصیل‌ترین گزاره‌های تبلیغی انبیا که در قرآن کریم گزارش شده دعوت به توحید و زندگی بر اساس آن بوده است اما چنین اخلاقی با توجه به سعه و ظرفیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سطح درک امت اسلامی به خصوص در حال حاضر بروز و ظهور بیشتری دارد به گونه‌ای که از ابتدا سرتاسر آیات و روایات معارفی حاکی از توجه به زندگی توحیدی با تمام لوازم آن است.

اخلاق امروزه در برخی از مکاتب اخلاقی به مجموعه‌ای از رفتارها اطلاق می‌شود و انسان اخلاق‌مدار شخصی معرفی می‌شود که رفتارهای نیکویی را انجام دهد. البته اخلاق فضیلت محور ممکن است از چنین رفتارگرایی کناره بگیرد و نیات و اعتقاد درونی در آن اصل و اساس قرار گیرد. توضیح آنکه در زمینه اخلاق فضیلت‌گرا دو تلقی از فضیلت وجود دارد که در برداشت اول از اخلاق فضیلت‌محور که رهیافتی کلاسیک است، مهم صادر شدن فعل اخلاقی از فاعل اخلاقی است (مطهری، ۱۳۷۶، ۲۲/۴۳؛ شیروانی، ۱۳۷۹، ۲۱؛ ارسطو، بی‌تا، ۷/۱) لذا بر اساس چنین نگاهی این اعمال انسانی است که شخص را به فضیلت و سعادت می‌رساند و در این رابطه اصلاح درون در کسب فضیلت و سعادت جایگاهی ندارد.

چنانچه تربیت نیز همانند اخلاق در عرصه افعال و رفتارها و نه نیات درونی معرفی گردیده و به معنای تغییر روشمند و هدفمند پایدار لحاظ شده است به گونه‌ای که به اصطلاح علم اخلاق چنین رفتاری تبدیل به ملکه می‌شود. بر این اساس به تغییرات بدون هدف یا تغییرات موقت تربیت اطلاق نمی‌شود. تربیت را معمولاً در محدوده رفتارها و اعمال تبیین می‌نمایند. چنانچه در نظام تعلیم و تربیت کنونی تمرکز بر روی رفتارها است. لذا اخلاق مجموعه‌ای از رفتارها و تربیت اصلاح و تغییر رفتارها است که بر همین اساس در مباحث فلسفه تربیت و اخلاق به دنبال چگونگی شکل‌گیری رفتارها هستند و در آن به دنبال ارائه راهکارهایی برای تغییر رفتارهایی همچون بی‌صبری، عصبانیت و بخل برمی‌آیند. در برخی مکاتب غیر الهی محور تمام مسائل در اخلاق و تربیت رفتار و افعال لحاظ شده است اما در دین مقدس اسلام محور تعلیم و تربیت و اخلاق صفات درونی است چرا که اسلام به دنبال اصلاح بنیان انسان است و حقیقت انسان، نفس و روح انسان است نه بدن و انسان در عالم آخرت با حقیقت خود محسوس می‌شود. رفتارها لوازم این بنیان و اندیشه‌اند لذا اصلاح رفتار هدف اول اسلام محسوب نمی‌شود چون رفتارها اموری گذرایند و در باطن و نهاد انسان وجود ندارند تا در عالم آخرت همراه انسان باشد. اگر اعمال و رفتار انسانها در درونشان اثرگذار باشد امر مثبت و مفیدی خواهد بود و گرنه رفتار به تنهایی در اسلام از اهمیت برخوردار نیست. چنین مدعایی را می‌توان از آیات و روایات بسیاری به دست آورد. از جمله آیات می‌توان به موردی توجه نمود که خداوند متعال خطاب به افراد کافر می‌فرماید که اگر تمام زمین طلا شود و به عنوان فدیة و کفاره گناهانشان پرداخت شود فایده‌ای

ندارد چرا که ضمیر و نهاد آنها مبتنی بر کفر است و اعمال بدون نیت صحیح تأثیرگذار نیستند<sup>۱</sup>. در میان روایات نیز بر این مسأله تأکید شده که اصل و اساس اعمال مبتنی بر نیت درونی افراد است و داشته‌های هر کس مبتنی بر نیاتش است (مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۸)<sup>۲</sup>. چنانکه برخی از محققان به تبع ادله دینی<sup>۳</sup> و کتب اخلاقی در رابطه با محور بودن نیت در اخلاق اسلامی اینگونه بیان نموده‌اند که عالمان مسلمان<sup>۴</sup>، همانند بسیاری دیگر از اندیشمندان الهی اخلاق را به معنای ملکات نفسانی در نظر می‌گرفتند (شیروانی، ۱۳۷۹: ۲۰۷/۲۱)؛ یعنی هیأت‌هایی راسخ و پایدار در جان آدمی که او را به انجام دادن کارهایی بدون اندیشه و تأمل برمی‌انگیزاند (لاهیجی، ۱۳۷۲: ۶۷۷؛ شهیدی، ۱۳۷۳: ۱۶۶/۲).

### ۱. تفاوت رویکردهای اخلاق توحیدی و غیر توحیدی

به طور کلی دو رویکرد در باب علم اخلاق را می‌توان مورد مذاقه قرار داد. رویکرد اول بیشتر در پی اصلاح رفتارها و اعمال می‌باشد بدون آن که توجهی به نیت و روحیات درونی افراد داشته باشد. بر این اساس چنین نگاهی معیار ارزشمند بودن انسانها نوع افعالی است که از خود بروز می‌دهند بدون آنکه نیت

۱. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (آل عمران/۹۱).

۲. «إنما الأعمال بالنيات و إنما لكل امرئ ما نوى».

۳. چنانکه در آثار حدیثی اینچنین آمده است که پیامبر گرامی در دعاهاى خویش عرض می‌کردند: اَللّٰهُمَّ حَسِّنْ خَلْقِي وَ خَلْقِي؛ خداوندا! صورت و سیرتم را نیکو گردان. (قمی، ۱۴۱۴: ۶۸۰/۲) و نیز خطاب به یکی از مسلمانان فرمود: «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّكَ امْرُؤٌ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ خَلْقَكَ فَأَحْسِنْ خُلُقَكَ» تو مردی هستی که خداوند صورتت را نیکو ساخته، پس سیرت خود را نیکو ساز. (ورام، ۱۴۱۰: ۹۰/۱).

۴. ابو علی مسکویه در تهذیب الاخلاق خلق را اینگونه تعریف می‌نماید: «الخلق حال للنفس داعية لها الى افعالها من غير فكر و روية» (ابن مسکویه، ۱۴۲۶: ۱۱۵).

در این زمینه تأثیری داشته باشد. چنین رویکردی را می‌توان در میان مکاتب غربی دنبال نمود (استونر، ۱۳۷۹: ۷۸؛ هیک، ۱۳۷۶: ۷۶؛ محمدی، ۱۳۸۹: ۱۹۷؛ ژکس، ۱۳۶۱: ۹؛ کریپ، بی تا: ۲۹۱؛ محمدی، ۱۳۸۹: ۲۸).

رویکرد دیگر به خلاف رویکرد اول در مقام توجه بیشتر به درون افراد است به گونه‌ای که ملاک و معیار ارزیابی افراد از لحاظ اخلاقی آن است که افراد از چه نیات و روحیاتی برخوردارند و اگر در این رابطه اعمال افراد نیز ملاحظه می‌شود تنها دلیل آن را بایستی در تأثیرگذاری چنین افعالی بر درون افراد کاوش نمود. رویکرد اخلاق الهی با این رویکرد سازگار است چرا که به دنبال نهادینه‌سازی نگاه توحیدی و آخرت‌گرا است که چنین امری جز با اصلاح درون افراد محقق نمی‌شود. چنانکه ممکن است شخصی رفتارهای نیکو داشته اما انگیزه‌های درونی وی الهی نباشد که در دید اخلاق الهی چنین رفتاری ارزشمند نیست. اگر رفتار برخاسته از اصلاح درون باشد ارزشمند و الا رفتاری بیفایده یا ضدارزشی خواهد بود.

به عنوان نمونه در باب نظافت جامعه، رویکرد اخلاق الهی این است که رعایت آن نشانه ایمان است<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۱/۵۹؛ مستغفری، ۱۳۸۵: ۲۱) که حاکی از گزاره ارزشمند درونی است اما طبق رویکرد اول ضرورتی ندارد که میان نظافت و درون افراد پیوندی برقرار شود بلکه نظافت به عنوان رفتاری خارجی لحاظ می‌شود بدون آن که حالات درونی شخص ارزیابی شود.

به همین جهت اخلاق در فلسفه اسلامی تعریف متفاوتی می‌یابد چرا که اخلاق در لغت عرب از ریشه تُحَلِّق است که به معنای طبیعت، روحیات درونی و ملکات

۱. «قال ص تخللوا فإنه من النظافة و النظافة من الإيمان و الإيمان مع صاحبه فی الجنة»

نفسانی است نه رفتارهای بیرونی (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸۶/۱۰؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۵۱/۴). ملکه به صفتی می‌گویند که در درون انسان ثابت و استوار گردیده است. در رویکرد اول در فلسفه اخلاق مراحل که به رفتار منتهی می‌شود و اموری که در رفتار مؤثرند مورد بررسی قرار می‌گیرد اما در رویکرد دوم که به دنبال ساختن درون است به بررسی اموری می‌پردازد که بر درون تأثیرگذار است یعنی تأثیر رفتار بر درون بررسی می‌شود نه تأثیر رفتار بدون اصلاح درون. بر این اساس سؤالات و پاسخها و الگوها متفاوت می‌گردند.

## ۲. راهکارهای اصلاح درون

از آنجا که انسانها از دو بعد ظاهر و باطن برخوردارند به گونه‌ای که رفتارها بعد ظاهری آنها و نیت بعد باطنی آنها را نشان می‌دهد و هر یک نقشی بسزا در اصلاح درون دارد در ادامه ابتدا نحوه تغییر رفتارها و پس از آن نحوه تغییر درون بررسی می‌شود.

### ۲/۱. راهکار تغییر رفتارها

رفتارهای انسانی دو عامل اساسی دارند: ۱- آگاهی‌ها و نگرشها ۲- روحیات و خصوصیات اخلاقی (وکیلی، ۱۳۹۶: ۳۷). چه بسا افرادی که روحیات یکسان دارند اما به جهت تفاوت اندیشه عملکردشان متفاوت می‌شود. لذا یکی از پایه‌های اصلاح رفتار، اصلاح افکار و اندیشه‌ها است. اما گاهی افکار انسانها صحیح هستند اما روحیات درونی افراد با یکدیگر متفاوت است. چنانچه ممکن است دو شخص در یک خانواده پرورش یابند اما شاکله‌ها و روحیات متفاوتی از یکدیگر داشته باشند. در این موارد اصلاح رفتار منوط به اصلاح اندیشه‌ها نیست چرا که هر دو از اندیشه یکسانی برخوردارند بلکه بایستی روحیات و خصوصیات درونی شخص را تغییر داد تا رفتار تغییر نماید.

## ۲/۱. راهکار تغییر حالات درونی

بخشی از حالات درونی انسان به صورت غیراختیاری پدید می‌آید و محصول محیط و وراثت است. بدیهی است که چنین حالاتی از محدوده تربیت و اخلاق که مربوط به امور اختیاری است خارج است. راهکارهایی برای تغییر درون وجود دارد که به طور کلی به دو مقوله علم و فعل منقسم می‌شود که افعال به جوانحی و جوارحی و افعال جوارحی در شرع مقدس اسلام به سه قسم منقسم می‌شود که در مجموع پنج راهکار برای تغییر حالات درونی قابل ذکر است.

### ۲/۲/۱. علم و آگاهی

گاهی خود آگاهی‌ها سبب می‌شود درون انسانها تغییر نماید به همین خاطر در شریعت اسلام بر آن تکیه شده و آن را بر تمام مسلمانان واجب گردانیده است بگونه‌ای که طالبان علم مورد محبت الهی قرار می‌گیرند<sup>۱</sup> (برقی، ۱۳۷۱: ۲۲۵/۱؛ صفار، ۱۴۰۴: ۲/۱). به عنوان نمونه زمانی که انسان متوجه می‌شود دیگری احسان‌های بسیاری به او نموده است (حلوانی، ۱۴۰۸: ۸۱، لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ۴۲۹) حال محبت در درونش نسبت به آن شخص پدید می‌آید یا این که انسان در مورد توحید تفکر می‌نماید و آن را متوجه می‌شود که به محض فهم حالت تواضعی نسبت به خداوند برای وی صورت می‌پذیرد یا به مرگ فکر می‌کند لذا دل‌بستگی به دنیا از بین می‌رود (حسینی تهرانی، ۱۴۴۱: ۲۶۵). این موارد نوع دیگری از ایجاد حال درونی هستند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۴۷؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۴۴۸/۲).

### ۲/۲/۲. افعال جوانحی یا قلبی

۱- «قال أبو عبد الله ع طلب العلم فريضة على كل مسلم ألا وإن الله يحب بغاة العلم»

از آنجا که افعال به درونی و بیرونی تقسیم می‌شود اولین و مهمترین کار برای تغییر درون، افعال درونی و قلبی است. این افعال به قدری اهمیت دارد که در روایت این گونه بر آن تأکید شده است که حرکت کردن انسان با قلب به سمت خداوند متعال تأثیرگذارتر از آن است که انسان بخواهد به وسیله اعمال جوارحی خود را به زحمت اندازد و به سمت خداوند متعال حرکت نماید (شامی، ۱۴۲۰: ۷۱۴؛ شهید اول، ۱۳۷۹: ۳۹)¹. این روایت به مبنای اساسی اسلام در تربیت اشاره می‌نماید که تربیت اسلام تنها تغییر رفتار نیست بلکه اصل و اساس تغییر درون است. زمانی که هدف تغییر درون باشد راهکار اصلاح تربیتی نیز درونی خواهد بود چرا که فعل درونی موجب ساختن انسانها می‌شود و افعال بدنی یا اصلاً تأثیری در درون انسان ندارند یا این که خیلی از موارد آن تأثیرات محدودی دارد لذا مهمترین و اولین راهکار افعال درونی است که در ادامه به دو نمونه از آن اشاره می‌شود.

#### ۲/۲/۱/۱. اخلاص و قصد قربت

در دستورات دینی آنچه امور دنیوی و اخروی شخص را اصلاح می‌نماید اخلاص است (تمیمی آمدی²، ۱۴۱۰: ۶۰۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۵۷۱/۱) که امری قلبی است نه عملی خارجی یعنی شخص مخلص نیت خود را متمرکز بر خداوند متعال می‌نماید و غیرخدا را از نیت خود خارج می‌نماید چنانکه ممکن است دو نفر در انجام فعلی یکسان باشند اما یکی خالصاً برای خداوند متعال و دیگری برای رسیدن به شهرت آن عمل را انجام دهد. چنانکه ریشه تمام افعال اخلاقی در دین

۱. « قال عليه السلام: القصد إلى الله تعالى بالقلوب أبلغ من إتباع الجوارح بالأعمال »

۲. « من أخلص لله إستظهر لمعاشه و معاده »



مبین اسلام اخلاص و قصد قربت است که صفتی نفسانی می‌باشد و ظهور و بروز آن ندارد. در کنار اخلاص مفاهیمی همچون توکل<sup>۱</sup>، حب و بغض<sup>۲</sup> (کوفی، ۱۴۱۰: ۴۲۹؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۸۰/۸) و برخی دیگر از مفاهیم اینچنینی وجود دارد که در ادبیات دینی ذکر شده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۰۶/۲؛ علی بن موسی، ۱۴۰۶: ۳۸۱) و ریشه تمام صفات اخلاقی انسانها می‌باشند به طوری که موجب تغییر حالات درونی انسان می‌گردند.

یکی از سؤالاتی که به دنبال مبنای اصلاح درون در اسلام پدید می‌آید آن است که اگر هدف اصلاح درون است چرا در شرع مقدس<sup>۳</sup> دستور داده شده که افعالی خاص (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲۶۶/۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۷۵/۱) همچون نماز، روزه و زکات را انجام دهند؟

در پاسخ به این سؤال بایستی به این نکته توجه نمود که افعال بدنی انسان سه نوع تأثیر دارد به گونه‌ای که اگر به چنین تأثیراتی انسان توجه نماید در نحوه انجام افعال خود تجدید نظر می‌نماید. چنانکه عملکرد مربی وقتی بخواهد اصلاح رفتار کند متفاوت از زمانی می‌شود که قصد اصلاح درون مخاطب را داشته باشد. به عبارتی رفتارها گاهی خود طریقت دارند یعنی رفتارها مقدمه‌ای برای اصلاح درون است و فی حد نفسه ارزشمند نیست و گاهی موضوعیت دارند و جنبه

۱. « وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا » (طلاق/۳)

۲. « قال يا زياد و هل الدين إلا الحب و البغض ثم تلا هذه الآيات الثلاث كأنها في كفه و لكن الله حبب إليكم الإيمان و زينه في قلوبكم و كره إليكم الكفر و الفسوق و العصيان أولئك هم الراشدون. فضلا من الله و نعمة و الله علیم حكيم و قال يحبون من هاجر إليهم و قال إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله و يغفر لكم ذنوبكم و الله غفور رحيم »

۳. « وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ » (بقره/۴۳)

اثرگذاری آن بر اصلاح درون لحاظ نمی‌شود و نفس عمل ارزشمند است. با توجه به نوع تأثیراتی که افعال در درون انسان پدید می‌آورد علت تأکید دین مبین اسلام بر انجام افعال نیز مشخص می‌شود که در بخش افعال جوارحی به تبیین تأثیرات هر یک از این رفتارها پرداخته می‌شود.

۲/۲/۲/۱. تذکر و یادآوری

یکی از عوامل جوانحی برای تغییر رفتار، یادآوری و تذکر است و بر اساس برخی از آیات قرآن کریم<sup>۱</sup> تا جایی که چنین فعلی نافع است (جیلانی، ۱۴۲۹: ۳۱۱/۱) بایستی به آن پرداخت چنانکه یکی از شروط آن ترس داشتن<sup>۲</sup> در قبال عمل نکردن به محتوای یادآوری است. چنانکه گاهی انسان به چیزی علم دارد و روحیاتش اقتضای انجام عمل را دارد اما حالت غفلت پیدا می‌نماید که سبب می‌شود آن کار را انجام ندهد. مثلاً می‌داند خوردن شیرینی ضرر دارد و روحیات عمل به چنین علمی را دارد اما چون در حال صحبت کردن با دیگران است غفلت پیدا می‌نماید و شیرینی را صرف می‌نماید. لذا آگاهی‌ها زمانی اثر می‌کند که همراه توجه و یادآوری باشد به گونه‌ای که آگاهی بدون آن مبدأ تغییر رفتار نمی‌شود. بسیاری از اشتباهات انسانها به جهت غفلت است لذا یکی از دستورات اساسی اسلام ذکر و یادآوری است تا انسان موارد حق را دائماً تکرار نماید تا چنین تذکراتی مبدأ عمل برای نفس شود که این تذکرات شامل موارد گوناگونی همچون یاد خدا (علی بن حسین، ۱۳۷۶: ۱۹۶)، یاد مرگ (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۷۸)<sup>۳</sup>، محبت

۱- «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذُّكْرَى» (اعلی/ ۹)

۲. «سَيَذَكَّرُ مَنْ يَحْسَى وَ يَتَجَبَّبُهَا الْأَشْفَى» (اعلی/ ۱۰-۱۱)

۳. «فَاكْتُرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ عِنْدَ مَا تَنَازَعْتُمْ إِلَيْهِ أَنْفُسَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ أَكْتُرُوا ذِكْرَ هَادِمِ

ورزیدن، تبری جستن درونی، توکل کردن و شکر کردن می‌شود (طوسی، ۱۴۱۱: ۶۴۳/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۴۶/۱).

درون انسان همانند جسم انسان در اثر تکرار و انجام حالات درونی حالت خاصی می‌یابد. چنانکه برای آنکه عقاید و حالات حق در درون انسان استقرار و رسوخ یابد بایستی اذکار را با حضور قلب انجام داد یعنی معنای الفاظ را به قلب خطوط داد و آن را تکرار نمود.

### افعال جوارحی یا بیرونی

#### افعال تعبدی

بسیاری از افعالی که در شریعت دستور به انجام آن داده شده، نفس فعل مورد توجه نبوده بلکه حال قلبی که از آن فعل به دست می‌آمده اهمیت داشته است<sup>۱</sup> (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰: ۵۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۸۳/۱) و چنین حالتی زمانی پدید می‌آید که آن عمل خارجی انجام شود که در واقع عمل خارجی علامت حال قلبی است نه علتش چنانکه امیرالمؤمنین آغاز نورانی ترین و بهترین راه را ایمان می‌دانند به گونه‌ای که چنین ایمانی انسان را به عمل صالح راهنمایی می‌کند و در مقابل عمل صالح نیز انسان را به سمت ایمان فرا می‌خواند تا این که زمینه‌های سعادت اخروی انسان در قیامت مهیا می‌شود<sup>۲</sup> (علی بن ابی طالب، ۱۴۱۴: ۱۷۹؛ هلالی، ۱۴۰۵: ۶۱۹/۲).

۱. « قال الصادق ع صاحب النية الصادقة صاحب القلب السليم لأن سلامة القلب من هواجس المحذورات بتخليص النية لله تعالى في الأمور كلها قال الله تعالى يوم لا ينفع مال ولا بنون. إلا من أتى الله بقلب سليم و قال النبي ص نية المؤمن خير من عمله و قال ص إنما الأعمال بالنيات و لكل امرئ ما نوى فلا بد للعبد من خالص النية في كل حركة و سكنون لأنه إذا لم يكن بهذا المعنى يكون غافلاً.»

۲. « سَبِيلُ أَيْلَاجِ الْمُتَهَاجِ أَنْوَرُ السَّرَاجِ فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَ بِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ وَ بِالْإِيمَانِ يُعْمَرُ الْعِلْمُ وَ بِالْعِلْمِ يُوَهَّبُ الْمُؤْتُ وَ بِالْمُؤْتِ تُحْتَمُ الدُّنْيَا وَ بِالدُّنْيَا تُحْرَزُ الْآخِرَةُ وَ بِالْقِيَامَةِ تُزَلَّفُ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ تُبْرَزُ الْجَحِيمُ لِلْعَاوِينَ وَ إِنَّ الْخَلْقَ لَا مَقْصَرُ لَهُمْ عَنِ الْقِيَامَةِ مُرْقِلِينَ فِي مَضْمَارِهَا إِلَى الْعَايَةِ الْقُضْوَى»

لذا غرض دین مبین اسلام از انجام رفتار، ایجاد حال درونی است که به نوعی به چنین رفتارهایی افعال تبعیدی گفته می‌شود که انجامش قصد قربت می‌خواهد و بدون چنین قصدی اصلاً قابل قبول نخواهد بود. به عنوان نمونه زکات دادن یکی از شروطش قصد قربت است لذا اگر به جهت دوست داشتن فقیر زکات دهد - اگرچه کار خیری نموده - یا این که ریائاً یا سمعاً انجام دهد هیچکدام زکات شرعی محسوب نمی‌شود (بحرانی، ۱۳۷۴: ۱/۵۴۳؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۲۴۰). در این موارد اصل و اساس قصد قربت است ولی به جهت آنکه نیت زمانی جدی و قوی می‌شود که به حد عمل برسد و نشانه نیت قوی آن است که به آن عمل شود. لذا اگر انسان نیت استوار داشت و عملی را انجام داد ولو این که غرض مذکور انجام نشود خداوند متعال چنین عملی را قبول می‌نماید چنانکه اگر با قصد قربت به شخصی به عنوان فقیر کمک نماید اما بعد از آن مشخص شود که این شخص فقیر نبوده است، مشکلی در عمل شخص پیش نمی‌آید و یا این که با قصد قربت سعی در رساندن پول به فقیر می‌نماید اما در مسیر ظالمی آن پول را اخذ می‌کند که در چنین حالتی نیز خدشه‌ای در عمل وی وارد نمی‌شود. نیتی که منجر به رفتار بشود هیچگاه از رفتار جداشدنی نیست لذا زمانی که نیت قوی می‌شود و به عملی منتهی می‌شود در نفس اثرگذار می‌شود ولو آنکه آن عمل به سرانجام خود نرسد. به همین خاطر است که در روایات آمده است: نیت مؤمن از عملش بهتر است<sup>۱</sup> (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/۵۲۴؛ علم الهدی، ۱۹۹۸: ۲/۳۱۵).

۱. «قلت لأبي عبد الله ع إنني سمعتك تقول نية المؤمن خير من عمله فكيف تكون النية خيراً من العمل قال لأن العمل ربما كان رياءً للمخلوقين و النية خالصة لرب العالمين فيعطى تعالى على النية ما لا يعطى على العمل قال أبو عبد الله ع إن العبد لينوى من نهاره أن يصلى بالليل فتغلبه عينه فينام فيثبت الله له صلواته و يكتب نفسه تسبيحاً و يجعل نومه عليه صدقة.»

آنچه در دین مبین اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است انجام کار قلبی است و چون چنین کاری خارجاً از عمل خارجی جدا نمی‌شود در دستور تربیتی اسلام نیز کار خارجی به همراه نیت ذکر می‌شود تا افراد با تلاش خود نیت را قوی نمایند و به دنبال آن عملی صورت پذیرد. به عنوان نمونه نمی‌توان انجام نماز صبح را لازم ندانست و تنها نیت آن را کافی دانست به جهت آنکه نیت امری درونی است و بدون افعال خارجی افراد به سختی می‌توانند از نیات واقعی خود مطلع گردند، زمانی که شخص خود را دارای نیت‌هایی فاخر محسوب می‌نماید اما به لوازم عملی آن پایبند نیست می‌توان شخص را در داشتن چنین نیت‌هایی تخطئه نمود مثلاً شخص خود را از اهل انفاق محسوب می‌نماید اما زمانی که فرصت کمک نمودن به فقرا برای وی پیش می‌آید و در عین تمکن مالی و نبود موانع مشروع کمک نمی‌نماید نشان می‌دهد که شخص از نیات واقعی بهره‌مند نیست لذا نمی‌توان به چنین توصیه‌ای که نیت صرف باشد عمل نمود و یا بر فرض امکان عمل، آن را ارزیابی نمود.

لذا دستور اسلام این است که نماز صبح را همراه با قصد قربت انجام دهد که اساس آن همان قصد است لذا اگر شخص نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند باید نشسته یا در حالات دیگری که می‌تواند نماز بخواند اما هیچگاه قصد قربت را کنار نگذارد چراکه روح نماز همان قصد قربت، تسبیح و اخلاص است و از لحاظ بدنی هم شخص تا جایی که می‌تواند باید انجام دهد (خمینی، ۱۴۲۶: ۱۷۵؛ سبحانی، ۱۴۲۹: ۲۴۶).

۱- «کسی که نمی‌تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهلو راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر به این حالت ممکن نباشد، باید به پهلو چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر به این حالت نیز نتواند، باید به پشت بخوابد، به طوری که کف پای او رو به قبله باشد.»

## افعال توصیلی

دسته دوم مواردی است که در دستورات دین وارد شده است و قصد قربت در آنها لازم نیست مثلاً صله رحم از واجباتی است که قصد قربت نمی‌خواهد. صله در لغت به معنای رسیدگی و صله رحم به معنای رسیدگی به خویشاوند است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۲۸/۱۱؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۷۱۸۱/۱۱) که مقصود اصلی از آن هزینه نمودن برای ارحام و رسیدگی مالی است تا نیازهای مادی آنها تأمین شود که می‌تواند به شکل مستقیم و غیرمستقیم باشد. لذا صله رحم با فرستادن مالی برای خویشاوند ناتوان از طریق چند واسطه نیز انجام می‌شود. قانون اسلام در رابطه با خانواده این است که هر خانواده‌ای از خود و خویشاوندان خود فقرزدایی بنماید چنانکه در کمک به فقرا، فقیران خویشاوند بر سایر فقرا ترجیح می‌یابند. بعد دوم صله رحم رسیدگی عاطفی به خویشاوند است به گونه‌ای که به دیدار آنها بروند، در تشییع جنازه آنها شرکت نمایند و سایر مواردی که در این زمینه وجود دارد. متأسفانه در عرف مسلمانان تنها بعد دوم صله رحم باقی مانده است که بایستی به میزانی که عرف لازم می‌داند به آن پرداخت اما اصل و اساس صله رحم بر رسیدگی مالی است.

لذا صله رحم قصد قربت نمی‌خواهد چنانکه در روایات آمده است که امام صادق علیه السلام برای برخی از بنی اعمام خود یعنی بنی الحسن که بسیار به امام صادق علیه السلام اهانت می‌کردند، پنهانی و با واسطه پول می‌فرستادند و در مقابل اعتراض برخی به بد بون چنین افرادی، حضرت می‌فرمودند امر خدا را اطاعت می‌نمایم که فرموده

۱- «و هی کنایة عن الإحسان إلی الأقربین من ذوی النسب و الأضهار و العطف علیهم و الرّفق بهم و الرّعیة لأحوالهم، و كذلك إن بُعدوا أو أسأوا، و قُطع الرّحم ضدّ ذلك کله»

است «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» (رعد/۲۱) لذا بایستی به امور آنها رسیدگی نمایم. حضرت به گونه‌ای به این افراد کمک می‌نمودند که بنی اعمام ایشان متوجه نمی‌گردند که امام صادق علیه السلام به ایشان کمک می‌نماید تا این که پس از شهادت حضرت متوجه گردیدند که این کمکها از طرف ایشان بوده است (ابن شهر آشوب<sup>۱</sup>، ۱۳۷۹: ۲۷۳/۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۵۶۹/۱۰). کمک نمودن و تملیک مال به دیگران گاهی با قصد قربت است که به معنای صدقه خواهد بود که علاوه بر فعل جوارحی فعل جوانحی نیز دارد و پس گرفتن صدقه به دلیل ما کان لله بودن ممنوع گردیده است اما اگر تملیک مجانی به غیر بدون قصد قربت باشد تحت عنوان هدیه قرار می‌گیرد و قابل پس گرفتن خواهد بود. صدقه و هدیه هر دو مستحب است (ابن اشعث<sup>۲</sup>، بی تا، ۵۶؛ ابن بابویه<sup>۳</sup>، ۱۳۶۲: ۲۷/۱) چرا که جدانمودن مال دنیا از خود فضیلت دارد و اگر قصد قربت در آن نباشد در زمره امور توصلی قرار می‌گیرد.

تأثیرات چنین افعالی آن است که اگرچه خود به جهت نداشتن قصد قربت تغییری در درون انسان ایجاد نمی‌کنند اما می‌توانند ابزار و واسطه قرار گیرند به گونه‌ای که انسان را در معرض اموری معنوی قرار دهند تا آن امور در درون انسان

۱. «الفضل بن شاذان عن أبي عبد الله قال: حدثنا إبراهيم بن عبد الحميد عن سالمة مولاة أم ولد كانت لأبي عبد الله قالت كنت عند أبي عبد الله ع حين حضرته الوفاة - فأغمرني عليه فلما أفاق قال: أعطوا الحسن بن علي بن الحسين و هو الأفتس، سبعين ديناراً، قلت: أ تعطي رجلاً حمل عليك بالشفرة قال: ويحك أ ما تقرءين القرآن قلت: بلى - قال: أ ما سمعت قول الله تبارك و تعالی - «الذين يصلون ما أمر الله به أن يوصل - و يخشون ربهم و يخافون سوء الحساب»

۲. «قال رسول الله ص الصدقة تدفع عن مية السوء»

۳- «عن أبي عبد الله ع قال: نعم الشيء الهدية أمام الحاجة و قال تهادوا تحابوا فإن الهدية تذهب بالضغائن»

اثر بگذارد. به عنوان نمونه در کمک مالی به غیر، گاهی صرف اعطاء آن بر اعطا کننده اثر نمی گذارد و ممکن است قصد قربت هم نکرده باشد تا قصد قربت زمینه تغییر درون را فراهم آورد اما به جهت شاد گشتن نفس فقیر از چنین کمکی آن شادمانی قلب مؤمن بر نفس و درون اعطاکننده اثر می گذارد و موجب رشد می شود. چنانکه روایات بسیاری در رابطه با ایجاد سرور در قلوب مؤمنین وجود دارد که بر وجود چنین تأثیراتی تا عرصه قیامت تصریح می نماید<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۰/۲؛ کوفی اهوازی، ۱۴۰۴: ۵۱). این تأثیرات نفوس بر یکدیگر بخشی از آن به روزی انسانها برمی شود چرا که گاهی فقیر از کمک نمودن شخص شادمان می شود و به دنبال آن اثراتی نیکو برای انفاق کننده پدید می آید اما گاهی فقری پرتوقع است و از مبلغی که شخص کمک می نماید شاد نمی شود لذا اثر چنین کمک کردنی نیز کمتر از مورد پیشین می شود.

بنابراین بسیاری از کارهای بدنی موجب می شود انسان در معرض امور معنوی قرار گیرد به گونه ای که نتیجه کار مهمتر از خود کار می باشد. به عنوان نمونه ورود به حرم ائمه اطهار بدون قصد قربت نیز تأثیرگذار است چرا که نفس وجود ملائکه در چنین فضاهایی موجب پذیرفتن تأثیراتی می شود که افراد با رفتن خود مستقیماً بر خود اثر نمی گذارد بلکه به جهت در معرض قرار دادن خود در فضای معنوی

۱. « قال أبو عبد الله ع فی حدیث طویل إذا بعث الله المؤمن من قبره خرج معه مثال يقدم أمامه كلما رأى المؤمن هولاً من أهوال يوم القيامة قال له المثال لا تفرح ولا تحزن وأبشر بالسرور والكرامة من الله عز وجل حتى يقف بين يدي الله عز وجل فيحاسبه حساباً يسيراً و يأمر به إلى الجنة والمثال أمامه فيقول له المؤمن یرحمك الله نعم الخارج خرجت معي من قبری و ما زلت تبشرنی بالسرور والكرامة من الله حتی رأیت ذلك فيقول من أنت فيقول أنا السرور الذی كنت أدخلت علی أخيك المؤمن فی الدنيا خلقتنی الله عز وجل منه لأبشرك.»



نفس تأثیر می‌پذیرد و به همین خاطر است که بر زیارت قبور ائمه اطهار تأکید شده است<sup>۱</sup> (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۰۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴/۳۲۵).

این نوع سوم رفتارها است که نیت همراه آنها نیست و خود مستقیماً بر انسان اثر نمی‌گذارند ولیکن انسان را در معرض امور نورانی قرار می‌دهند که یا موجب شادی دیگران می‌شود مثل صلہ رحم و انفاق یا همانند مواردی چون رفتن به مکانهای مقدس است که با قرار گرفتن در آن حتی بدون قصد قربت از تأثیرات حضور ملائکه بهره‌مند می‌شود و یا اسباب حضور ملائکه را فراهم می‌آورد چنانکه بسیاری از مستحبات اینچنین هستند به عنوان نمونه اعمالی همچون روشن نمودن چراغ خانه در نزدیک غروب، روشن نمودن عود در خانه، عطر زدن و لباس تمیز پوشیدن موجب حضور ملائکه می‌شود. بنابراین چنین افعالی به تنهایی انسان‌ساز نمی‌باشند بلکه به جهت دفع شیاطین و جلب فرشتگان تأثیرگذارند (برقی، ۱۳۷۱: ۴۳۹/۲).

#### افعال تأثیرگذار مستقیم بر نفس

قسم سوم مربوط به مواردی است که مستقیماً نفس از فعل بدنی تأثیر می‌پذیرد و موارد آن محدود است. از جمله این افعال سجده رفتن و رکوع نمودن است که خود چنین افعالی موجب آوردن حال تواضع می‌شود چه شخص قصد قربت داشته باشد یا نه. نشستن و همانند بردگان غذا خوردن نیز از جمله این موارد است چنانکه پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید: همانند بردگان می‌خورم و می‌نشینم<sup>۲</sup> (نوری،

۱- «قَالَ أَلْمُوا بِرَسُولِ اللَّهِ ص إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ - فَإِنَّ تَوَكُّهَ جَفَاءَ وَ بَدَلِكُ أُمُوثُمْ وَ أَلْمُوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلَزَمَكُمُ اللَّهُ حَقَّهَا وَ زِيَارَتَهَا وَ اطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَهَا.»

۲. « روى عن النبى ص أنه قال: إنما أنا عبد أكل أكل العبيد و اجلس جلسة العبيد.»

۱۴۰۸: ۲۲۸/۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۶۲/۱۳) یکی از ابعاد استحباب بر زمین نشستن و اینگونه غذا خوردن آن است که حال تواضع ایجاد می‌نماید. از آنجا که برخی افعال با حالات درونی ارتباط دارند لذا هنگام انجام آن حال درونی در انسان زنده می‌شود و نفس انسان رشد می‌نماید.



## نتیجه‌گیری

اخلاق توحیدی به دنبال اصلاح درون است در حالی که اخلاق غیر توحیدی به دنبال اصلاح رفتار است. برای تحقق اصلاح درون در اخلاق توحیدی راهکارهایی برای آن ارائه گردیده است که به طور کلی به سه قسم علم و آگاهی، افعال جوانحی یا قلبی و افعال جوارحی یا بیرونی منقسم می‌شود. از جمله موارد افعال جوانحی، اخلاص و تذکر است. افعال جوارحی نیز به سه قسم منقسم می‌شود که شامل افعال تعبیدی، توصلی و افعال تأثیرگذار مستقیم بر نفس می‌شود. لذا پنج راهکار برای اصلاح درون وجود دارد که در اخلاق توحیدی اسلام بدان توجه می‌شود.

شرع مقدس برای اصلاح درون ابتدا افعال جوانحی را پایه و اساس قرار داده است و مابقی افعال لایه‌های چنین افعالی می‌باشند. در میان افعال انسانی آنچه اصل و اساس برای ساختن درون انسانها است افعال قلبی می‌باشد و بعد از آن افعال جوارحی هستند که مقرون به نیتند که به آن افعال تعبیدی گفته می‌شود و در نفس بیشترین تأثیر را دارد و تأثیر اساسی آن بخاطر نیت است که فعل وسیله‌ای برای تحقق چنین تأثیری است. مورد سوم افعالی است که اگرچه مستقیماً درون انسان را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد اما واسطه قرار می‌گیرد تا انسان را در معرض امور ملکوتی قرار دهد. مورد چهارم افعالی هستند که همچون رکوع و سجود به طور مستقیم بر نفس انسان اثر می‌گذارد بدون آن که واسطه‌ای در میان باشد.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد (بی-تا)، الجعفریات (الأشعثیات)، مكتبة النینوی الحديثة، تهران.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، علل الشرائع، کتاب فروشی داوری، قم.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵)، دعائم الإسلام، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹)، متشابه القرآن و مختلفه، قم: انتشارات بیدار.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب، قم: انتشارات علامه.
۹. ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۴۲۶)، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، بیجا: طلیعة النور.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، انتشارات دار الفکر، بیروت.
۱۱. ارسطو (بی-تا)، علم الأخلاق إلى نیقوماخوس، مترجم: سانت هلیر، بارتلمی؛ سید احمد لطفی، دار صادر، بیروت.
۱۲. استونز، راب (۱۳۷۹)، متفکران بزرگ جامعه شناسی، مترجم: مهرداد میردامادی، انتشارات مرکز، تهران.
۱۳. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثه.
۱۴. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، المحاسن، دار الکتب الإسلامیة، قم.
۱۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتب الإسلامی، قم.
۱۶. جعفرین محمد، امام ششم علیه السلام (۱۴۰۰)، مصباح الشریعه، انتشارات اعلمی، بیروت.
۱۷. جیلانی، محمد بن محمد (۱۴۲۹)، الذریعة إلى حافظ الشریعة، دار الحدیث، قم.

۱۸. حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم.
۲۰. حسکانی، عبید الله (۱۴۱۱)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، تهران.
۲۱. حسینی تهرانی، سید محمد صادق (۱۴۴۱)، جذبه عشق، انتشارات نور ملکوت قرآن، مشهد.
۲۲. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸)، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، مدرسة الإمام المهدي، قم.
۲۳. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، دار الفكر المعاصر، بیروت.
۲۴. خمینی، سید روح الله (۱۴۰۹)، توضیح المسائل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم.
۲۵. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵)، فقه القرآن، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
۲۶. ژکس (۱۳۶۱)، فلسفه اخلاق (حکمت علمی)، مترجم: سید ابو القاسم فناپی، امیر کبیر، تهران.
۲۷. سبجانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۹) رساله توضیح المسائل، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم.
۲۸. شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰)، الدر التنظيم فی مناقب الأئمة اللهامیم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۲۹. شیروانی، علی (۱۳۷۹)، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، دار الفکر، قم.
۳۰. شهید اول، محمد بن مکی (۱۳۷۹)، الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة، انتشارات زائر، قم.

۳۱. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۳)، شرح مشنوی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۳۲. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم.
۳۳. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲)، مکارم الأخلاق، الشریف الرضی، قم.
۳۴. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۳۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱)، مصباح المتہجد و سلاح المتعبد، مؤسسة فقه الشیعة، بیروت.
۳۶. علم الهدی، علی بن حسین (۱۹۹۸)، أمالی المرتضی، دار الفكر العربی، قاهره .
۳۷. علی بن ابی طالب، امام اول علیه السلام (۱۴۱۴) نهج البلاغه، مؤسسه نهج البلاغه، قم.
۳۸. علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام (۱۳۷۶)، الصحیفة السجادیة، دفتر نشر الہادی، قم.
۳۹. علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام (۱۴۰۶). الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، مؤسسة آل البيت، مشهد.
۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، المطبعة العلمية، تهران.
۴۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، انتشارات رضی، قم.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، نشر هجرت، قم.
۴۳. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶)، الوافی، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان.
۴۴. قمی، عباس (۱۴۱۴)، سفینة البحار، انتشارات اسوه، قم.
۴۵. کریپ (بی تا)، اخلاق و فراخلاق، مترجم: بهروز جندقی، بیجا: بینا.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، انتشارات دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۴۷. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰)، تفسیر فرات الکوفی، وزارة الإرشاد الإسلامی، تهران.

۴۸. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۴)، المؤمن، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم.
۴۹. لاهیجی، عبد الرزاق (۱۳۷۲)، گوهر مراد، تهران: انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۰. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، دار الحدیث، قم.
۵۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۵۲. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶)، روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم.
۵۳. محمدی، مسلم (۱۳۸۹)، مکتب های نسبی گرای اخلاقی از یونان باستان تا دوران معاصر، بوستان کتاب، قم.
۵۴. مستغفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۵)، طب النبى، مکتبه الحیدریه، نجف.
۵۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران.
۵۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، المسائل الصاغانیه، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم.
۵۷. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.
۵۸. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰)، مجموعه ورام، مکتبه فقیه، قم.
۵۹. وکیلی، محمد حسن (۱۳۹۶)، بنیادهای اصلاح جامعه اسلامی، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، مشهد.
۶۰. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵)، کتاب سلیم بن قیس، انتشارات الهادی، قم.
۶۱. هیک، جان (۱۳۷۶)، فلسفه دین، مترجم: بهزاد سالکی، الهدی، تهران.